

آموزش با سریال how I met your mother

جلسه چهاردهم - مدرس: علیرضا صادقیان



You know, that natalie,
she's good times.

She's good times = she's fun = She's fun to date

Ted, hold on to that one

تد. این یکی رو دیگه ولش کن. بچسب بهش

I should be in love with her but I'm not feeling that thing

باید عاشقش باشم اما من اون احساسی که باید داشته باشم رو ندارم

It's ineffable

کلمه ineffable به معنای غیرقابل وصف. نگفتمی

Ineffable : /ɪn'efəbl/: too great or beautiful to describe in words

- ineffable joy

- لذت غیرقابل وصف



That's such a cliché

کلمه cliché به معنی کلیشه یا حرف تکراری هست که دیگه کسی قبولش نداره.

cliché *noun*

🔊 /'kli:ʃeɪ/

🔊 /kli:'ʃeɪ/

(also **cliche**)

(disapproving)

- 1 ★ [countable] a phrase or an idea that has been used so often that it no longer has much meaning and is not interesting

I think Natalie deserves better

فکر میکنم ناتالی لیاقتش بیشتر از اینه



We're going to get you out of this

از این اوضاع درت میاریم (کمکت میکنیم)

یه اصطلاح خیلی زیبا و پرکاربرد وقتی کسی به دردسر افتاده و میخوایم بهش دلداری بدیم و بگیم کمکت میکنیم که از این دردسر خارج بشی

Ted. Have you considered telling her the truth

آیا تا حالا به این فکر کردی که راستشو بهش بگی؟

به این ساختار زیبا دقت کنید:

Have you considered + ing verb

آیا تا حالا فکر کرده ای به ...

Have you considered going abroad?

به خارج رفتن فکر کرده ای؟

Have you considered teaching English?

به آموزش زبان فکر کرده ای؟

Have you ever considered staying home?

تاحالا به خونه موندن فکر کردی؟

و در ادامه تد میگه:

She's not the one

اونی نیست که میخوام

و مارشال میگه:

You can't tell her that. That's horrible

تو نمیتونی اینو بهش بگی. وحشتناکه

در این قسمت کلمه horrible رو داریم به معنی وحشتناک. در تصویر زیر دو نوع تلفظ این کلمه رو میبینید.

horrible *adjective*

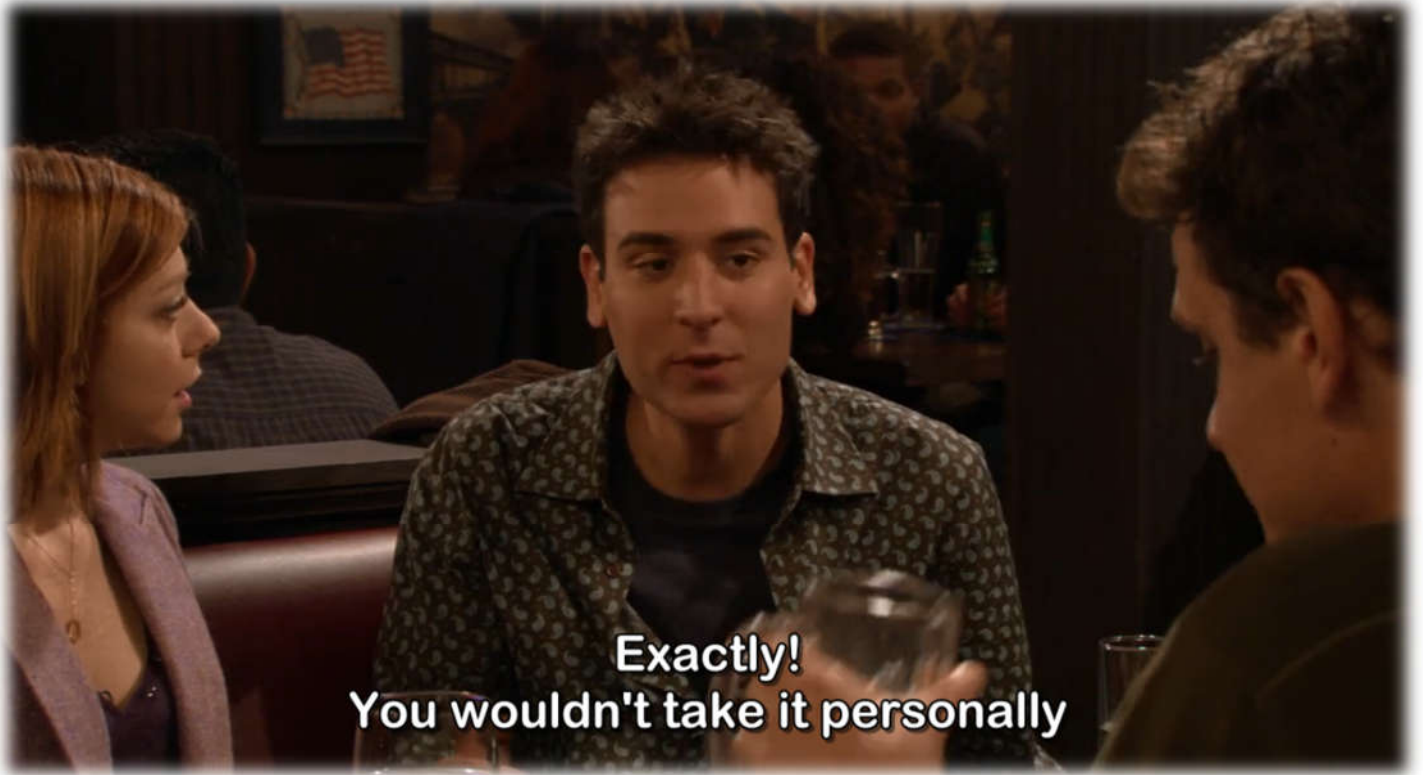


/'hɒrəbl/

/'hɔːrəbl/

1 ★ (informal) very bad or unpleasant; used to describe something that you do not like

- *What horrible weather!*
- *The coffee tasted **absolutely horrible**.*
- *a horrible mess/smell/noise*
- *I've got a horrible feeling she lied to us.*
- *I feel **horrible** about what happened.*



You wouldn't take it personally if you lost the lottery

خب اول اینکه اینجا اصطلاح take it personally رو داریم به معنی اینکه چیزی رو به دل بگیری یا از چیزی ناراحت بشی.

مثال ها رو ببین:

Please don't take it personally.

لطفا به دل نگیرید.

At first I took it personally when he yelled at me

اولش وقتی سرم داد کشید دلخور شدم.

نکته دوم اینکه این جمله یک جمله شرطی هست. جمله شرطی نوع دوم:

در زبان انگلیسی جملات شرطی نوع دوم جملاتی هستند که از آنها برای نشان دادن فعالیتی که در گذشته و در شرایطی خاص می توانسته انجام شود استفاده می شود. همچنین برای نشان دادن وقایع غیر واقعی و چیزهایی که

تا حد زیادی غیر ممکن هستند هم استفاده می شود . همچنین باید توجه کنید که اتفاق و صحبت ما مربوط به گذشته نیست، بلکه تصور می کنیم.

- در ساختار جملات شرطی نوع دوم زمان فعل در جمله شرط گذشته ساده بوده و در جواب شرط یکی از فعلهای could / would / might به علاوه شکل ساده فعل استفاده میشود.

If + past tense, S + would/could/might + base form of the verb

If I **had** enough money, I **would** visit 80 countries.

اگر من به اندازه کافی پول داشتم 80 کشور را می دیدم.

If I **knew** his name, I **would** tell you.

اگر اسمش را می دانستم به تو می گفتم.

If your sister **were** here, she'd **know** what to do.

اگر خواهرت اینجا بود، میدونست که باید چی کار کنه.



You know, you've already given me the best present of all.

قبلا بهم بهترین هدیه رو دادی

اینجا میخوام به کاربرد already اشاره کنم که به معنی قبلا هست. قبل از زمان کنونی یا قبل از زمانی که انتظار میرفته. مثال های رو ببینیم:

I've already eaten lunch.

قبلا (از قبل) غذا خورده ام.

It's fall already.

از همین حالا (به این زودی) پاییز آمده.

Summer is over already.

به این زودی (هنوز هیچی نشده) تابستان تمام شده.

I have seen this film 3 times already.

این فیلم را تا به حال (از قبل / قبلن) سه بار دیده ام.

Are we there already?

به این زودی رسیدیم؟